

تأثیر ظرفیت‌های اجتماعی و فرهنگی اقوام بر امنیت ملی از دید حکمرانی خوب (با تأکید بر قوم ترکمن استان گلستان)

سجاد عموزاد خلیلی^۱، عباس علیپور^۲، محسن رستمی^۳

پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۵/۱۷

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۳/۲۱

چکیده

حکمرانی خوب در سه دهه اخیر به شدت مورد توجه پژوهشگران علوم اجتماعی بوده است. براساس جدیدترین تعریف بانک جهانی، حکمرانی خوب، در اتخاذ سیاست‌های پیش‌بینی‌شده، آشکار و صریح دولت، دیوانسالاری شفاف، پاسخگویی دستگاه‌های اجرایی در برابر فعالیت‌های خود، مشارکت فعال مردم در کارهای اجتماعی و سیاسی و نیز برابری همه افراد در برابر قانون، تبلور می‌یابد. به‌طور کلی می‌توان گفت که حکمرانی خوب، تمرین مدیریت (سیاسی، اقتصادی، ...) منابع کشور، برای رسیدن به اهداف تعیین‌شده است. این تمرین دربرگیرنده راهکارها و نهادهایی است که افراد و گروه‌های اجتماعی از طریق آن، توانایی دنبال‌کردن علایق و حقوق قانونی خود را باتوجه به محدودیت‌ها داشته باشند. به‌منظور ایجاد حکمرانی خوب در جوامع، ابعاد توسعه باید مورد توجه قرار گیرد، که یکی ابعاد توسعه، بعد فرهنگی و اجتماعی است. لازمه ایجاد حکمرانی خوب در جوامع با اقوام گوناگون (مانند ایران)، شناخت فعالیت فرهنگی و اجتماعی اقوام است. این مقاله با روش اسنادی - کتابخانه‌ای و رویکرد توصیفی - تحلیلی در نظر دارد تا به این پرسش پاسخ دهد که ظرفیت‌های فرهنگی و اجتماعی قوم ترکمن مؤثر بر امنیت ملی از دید حکمرانی خوب کدام است؛ بعد از شناخت این شاخص‌ها در راستای اصلاح آن، مواردی پیشنهاد می‌شود. بر اساس یافته‌های پژوهش آن دسته از ویژگی‌های حکمرانی خوب که قوم ترکمن می‌تواند به‌واسطه برخورداری از آنها به عملکردهای فرهنگی و اجتماعی مطلوبی دست پیدا کند عبارت است از: حاکمیت قانون، مسئولیت‌پذیری دولت، عدالت فرهنگی و پاسخگویی دولت.

واژگان کلیدی: قوم ترکمن، امنیت ملی، اقوام، ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی، حکمرانی خوب.

s.amoozad74@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، مازندران، ایران

aivan31@gmail.com

۲. دانشیار دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام، تهران، ایران

mmahya1392@gmail.com

۳. استادیار دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

مقدمه

چنین به نظر می‌رسد که در دهه‌های آینده تمام کشورها به‌گونه‌ای با مسئله ناسیونالیسم قومی روبه‌رو خواهند شد. از آنجا که قومیت و ویژگی‌های فرهنگی - اجتماعی، دینی و اقتصادی آن یکی از شاخص‌های عمده در شناخت ظرفیت طبیعی کشورها برای دستیابی به ثبات و دوری از خشونت به‌شمار می‌آید، امنیت کشورها در دهه آینده بدون توجه به این مسئله رقم نخواهد خورد. در جوامع چند قومی موضوع همزیستی اقوام با یکدیگر و حفظ وحدت ملی کشور امری است که به اتخاذ رهیافتی منوط است که بتواند در عین کثرت در خرده فرهنگ‌های قومی، وحدت در منش ملی را محقق سازد. ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی قومیت با عنوان‌های زیر نیازمند مطالعه از دید امنیت ملی است: ۱. زبان و ادبیات فارسی (به‌عنوان یکی از قوی‌ترین مؤلفه‌هایی تشکیل‌دهنده هویت ملی مطرح است (قمری، ۱۳۸۵: ۵). ۲. تأثیر رسانه‌ها (رسانه‌ها با توجه به توسعه کمی و کیفی که دارند) در عمل می‌تواند هم فرصت و هم تهدید برای دوام و قوام امنیت اجتماعی و امنیت ملی باشد (صادقیان، ۱۳۸۸: ۱۷۴). ۳. دین و مذهب (فرهنگ دینی به‌عنوان متغیر مستقل) می‌تواند بر اتحاد ملی تأثیر مثبت داشته باشد و سبب تقویت انسجام ملی و افزایش امنیت ملی شود و بالعکس (یاوری بافقی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۴۸). ۴. آداب و رسوم (روایت‌هایی مشترک در بین اقوام یک کشور)، اسطوره و مفاخر ملی می‌تواند انسجام ملی را افزایش دهد (یاوری بافقی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۴۸).

این مقاله با هدف فهم تأثیر ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی قوم ترکمن در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تحریر می‌شود. در جمهوری اسلامی ایران وجود قوم ترکمن در شمال و شمال شرقی کشور با ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی و متأثر از اشتراکات فرهنگی از قوم ترکمن در آن‌سوی مرز در امنیت ملی تأثیرگذار است. بدین منظور، توصیف ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی این قوم و تحلیل تأثیر این ویژگی‌ها بر امنیت ملی کشور در دستور مطالعه قرار دارد. ترکمن صحرا منطقه‌ای در شمال و شمال شرقی ایران است و شهرهای گنبد کاووس، بندر ترکمن، آق‌قلا، مراوه‌تپه، کلاله، سیمین‌شهر، نگین‌شهر، گمش‌تپه، بجنورد، درگز، گیلداغ، رامیان و اطراف تربت جام را دربر می‌گیرد. اکثریت نسبی جمعیت ترکمن صحرا را ترکمن‌ها تشکیل می‌دهند که مردمانی ترکمن‌زبان و مسلمان (اهل سنت حنفی) هستند. دشت گرگان که بخش اعظم استان گلستان را تشکیل می‌دهد موطن اصلی ایرانیان ترکمن است (کنعانی، ۱۳۷۹: ۲۱۷). در واقع ترکمن‌ها را

می‌توان یک گروه قومی بزرگ به‌شمار آورد که شامل قبایل بسیاری مانند: گوگلان، یموت و تکه است. جمعیت ترکمن‌ها حدود یک و نیم میلیون نفر است (جعفری، ۱۳۹۴: ۵۷).

باتوجه به طرح مسئله بیان‌شده شناخت ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی قوم ترکمن و تأثیر این ویژگی‌ها بر امنیت ملی ضروری است. این مقاله می‌کوشد به این پرسش اصلی پاسخ دهد که آیا تکیه و تعلق خاطر به تمایزات اجتماعی و فرهنگی قوم ترکمن در کنار تعلق به عناصر فرهنگ ملی می‌تواند نقش مثبتی در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران داشته باشد؟ با بررسی‌های اولیه می‌توان این گزاره را به‌مثابه این فرضیه تقریر کرد که، عوامل اجتماعی و فرهنگی قوم ترکمن در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران نقش مثبت داشته است.

این نگاه‌شده با رویکرد توصیفی - تحلیلی و به صورت کتابخانه‌ای - اسنادی صورت می‌گیرد.

چارچوب نظری

مکتب کپنهاک

مقوله کلی امنیت را می‌توان به احساس آزادی و رهایی یا احساس ایمنی اطلاق کرد که ناظر بر امنیت مادی و روانی است، و در این صورت سبب استقلال رأی یک دولت یا ملت شده و توانایی رویارویی با دخالت بیگانگان و نیروهای خارجی را در امور داخلی خواهد داشت. دو رهیافت در امنیت ملی هست: ۱. رهیافت سنتی ۲. رهیافت جدید. تعریف سنتی و کلاسیک رهیافت امنیت ملی: این رهیافت از دید تک‌بعدی، امنیت ملی را مطالعه تهدید، استفاده و کنترل نیروی نظامی می‌داند. در این دیدگاه با تعبیر سخت‌افزاری از امنیت ملی، اولاً تهدید خارجی را نسبت به تهدید داخلی در اولویت بیشتر می‌بیند، ثانیاً نظام بین‌المللی در این دیدگاه نسبت به محیط داخلی قدرت بیشتری بر امنیت کشور دارد، ثالثاً این رهیافت با دید تقلیل‌گرایی و جزئی‌نگری، امنیت را در چارچوب مرزهای ملی تعریف می‌کند (بوزان، ۱۳۷۸: ۲۹). در دوران جدید با فروپاشی نظام دوقطبی، پایان جنگ سرد و در نتیجه تغییر نظام قدرت در جهان سبب شد نگاه نظامی به امنیت در بعد بین‌المللی متحول شود و ابعاد دیگر قدرت، یعنی ابعاد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جایگاه قوی‌تری پیدا کرد. در گفتمان نوین امنیت، از وجود تمامیت ارضی و نهادهای سیاسی به مرحله بالاتر یعنی اراده و مهارت و ضرورت ارتقای رضایت ساکنان سرزمین و نیز کارآمدی نهادهای سیاسی و غیرسیاسی توجه می‌شود (مولر، ۲۰۰۰: ۲۳).

هم‌چنین باری بوزان از جمله نظریه‌پردازان مکتب کپنهاک در زمینه امنیت معتقد است امنیت را باید چندبعدی نگریست که ابعادی مانند مهاجرت، سازمان‌های جناحی فراملی و فروملی، محیط زیست و رفاه اقتصادی را شامل می‌شود. او معتقد است برای چندبعدی‌بودن امنیت باید تأثیر فرهنگ، جغرافیا محیط زیست، تمدن و دین و از همه مهم‌تر هویت را فهمید (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۳).

بوزان در دهه ۹۰ میلادی دیدگاه امنیت اجتماعی را مؤثرترین شیوه برای فهم موضوع امنیت مطرح کرد و هدف مرجع امنیت اجتماعی را مسئله هویت دانست. امنیت اجتماعی در مکتب کپنهاک، مفهوم مرکزی دارد و آن عبارت است از هویت. هرگاه گروهی احساس کند باور و رویه‌های فرهنگی - اجتماعی‌اش انکار، مهار یا دستکاری می‌شود، احساس ناامنی می‌کند (کیمیلسکا، ۲۰۰۲: ۳۲). هم‌چنین، امنیت ملی در ساده‌ترین تعریف این‌گونه است: توانایی یک ملت برای حفاظت از ارزش‌های حیاتی داخلی در برابر تهدیدات خارجی و اینکه کشورها برای حمایت از ارزش‌های داخلی در برابر تهدیدات خارجی چگونه سیاست‌ها و تصمیمات لازم را اتخاذ می‌کنند (ماندل، ۱۹۹۵: ۱۲۳)؛ اما در تعریف مدرن از امنیت ملی به‌جای توجه به تهدیدات خارجی، آسیب‌پذیری‌های داخلی بیشتر مورد توجه است و تهدید خارجی اعتبار کمتری دارد (حمیدی، ۱۳۹۵: ۳۵)؛ چرا که آسیب امنیت ملی رابطه معکوسی با امنیت ملی دارد. هرجا و در هر سطحی امنیت ملی نباشد یعنی فعالیت‌ها و ارتباطات مجاز و مشروع شهروندان با وقفه یا اختلال روبه‌رو شود، آسیب امنیت ملی ظهور می‌کند (اسکندی، ۱۳۹۴: ۲۸).

مکتب کپنهاک معمولاً با نام باری بوزان^۱ و الی وور^۲ شناخته می‌شود و تنها رهیافتی است که صرفاً بر مطالعات امنیتی مبتنی است و جزء اولین رهیافت‌هایی به‌شمار می‌رود که تلاش کرد جایگاهی مستقل برای مطالعات امنیتی پایه‌گذاری کند (عبداله‌خانی، ۱۳۹۲: ۱۱۹). این مکتب، امنیت را از جنبه‌های گوناگون مورد مطالعه قرار داده است؛ اما بر بعضی جنبه‌ها بیشتر تمرکز کرده و بعضی اوقات مبتکر طرح‌های جدیدی نیز بوده است. طرح موسع امنیت در برابر برداشت مضیق از آن یکی از این موارد است که به‌منظور توسعه ابعاد امنیت مطرح شده است. از دید مکتب کپنهاک، امنیت در وضعیت جدید مفهوم سستی خود را از دست داده است؛ در حالی که در گذشته، امنیت در چارچوب الگوی وستفالیبا و با ابعاد نظامی نگریسته می‌شد، در دوران پساجنگ سرد، دچار

1. Barry Buzan
2. Ole Weaver

دگرذیسی شده است. در دوره جدید، گسترش دامنه امنیت به ابعاد چندگانه نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی کاملاً مشهود است (بوزان و واور، ۱۹۹۸: ۳۴). این مکتب بر آن است که دیگر نمی‌توان مسائل امنیتی را صرفاً در قالب نظامی مورد بررسی قرار داد و بازیگران علاوه بر تهدیدات نظامی از دیگر حوزه‌ها نیز مورد تهدید قرار می‌گیرند و چه بسا گاهی اهمیت آن از حوزه نظامی فراتر می‌رود و بازیگران را تا لبه پرتگاه نابودی پیش می‌برد؛ بنابراین اندیشه سنتی، که سیاست نظامی را در درجه امنیتی زیاد قرار می‌داد و دیگر مباحث امنیتی در درجه دوم قرار داشت، از دید پیروان این مکتب نیازمند بازنگری جدی است. امنیت، پیچیده و چندبعدی است که تمام عرصه‌های گوناگون سیاسی، نظامی، اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی را شامل می‌شود (بهرامی و عراقچی، ۱۳۹۶: ۱۳۰).

انواع الگوهای حکمرانی

چگونگی میدان‌دادن به نظام ارزشی ذی‌نفعان در یک رویه حکمرانی سبب می‌شود که الگوهای گوناگونی از شیوه‌های اجرای حکمرانی در جهان معاصر مطرح باشد، از جمله حکمرانی خوب، حکمرانی متعالی، و دیگر شیوه‌های حکمرانی.

الف. حکمرانی خوب

"حکمرانی خوب" مفهومی است که توسط سازمان‌های بین‌المللی در اواخر دهه ۱۹۸۰ وارد ادبیات توسعه شد و بر اساس معیارهای خاص، حکمرانی را حاصل تعامل و ارتباط متقابل دولت و کنشگران جامعه مدنی (سازمان‌های غیردولتی، بخش خصوصی، گروه‌های ذی‌نفوذ و رسانه‌ها) به‌منظور دستیابی به توسعه در هر کشوری می‌داند.

معیارهای حکمرانی خوب از دید این سازمان‌ها عبارت است از: مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، پاسخگویی، وفاق عمومی، حقوق مساوی، اثربخشی، کارایی و مسئولیت‌پذیری.

ب. حکمرانی سالم

در انتقاد از حکمرانی خوب، حکمرانی سالم به برداشت آزاد و متنوع از شیوه و معیارهای حکمرانی خوب در کشورهای گوناگون تأکید دارد و معتقد است که حکمرانی باید مطابق با آداب، رسوم و فرهنگ محلی هر کشور تعریف و سازماندهی شود؛ البته هم‌چنان معیار اصلی در حکمرانی سالم، همانند حکمرانی خوب، رفاه مردم است.

ج. حکمرانی متعالی

حکمرانی متعالی به شیوه‌ای از حکمرانی گفته می‌شود که مبتنی بر نظام ارزشی الهی همچون اسلام برای دستیابی به سعادت دنیوی و اخروی مردم در یک حوزه جغرافیایی و یا حوزه‌های گسترده‌تر مطرح است. بر اساس نظریه حکمرانی متعالی، حکومت از آن خداست و تنها اوست که می‌تواند بر انسان حکم براند به این دلیل، حکمرانان تا زمانی دارای مشروعیت هستند که از تزکیه نفس و مقبولیت برخوردار بوده و تنها مجری احکام الهی باشند. در حکمرانی متعالی، تنظیم روابط، پیروی و شیوه فعال‌سازی ظرفیت‌های کنشگران و ذی‌نفعان، بر اساس هدایت الهی و اراده مردمی شکل می‌گیرد.

حکمرانی خوب

حکمرانی در لغت به معنای اداره و تنظیم امور و رابطه میان شهروندان و حکومت‌کنندگان اطلاق می‌شود. حکمرانی به پاسخگوبودن هم در حوزه سیاستگذاری و هم اجرا اشاره دارد (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰: ۱۴۹). بر این اساس حکمرانی مستلزم تعامل میان ساختار، فرایند و سنت است که بر اعمال و رابطه قدرت در مجموعه‌های نهادی و اجتماعی دلالت دارد و مفاهیم هدایت، کنترل و تنظیم فعالیت‌ها در راستای منافع مردم یا همه شهروندان، رأی‌دهندگان و کارکنان مستتر است (Plumpter, 1999: 3). می‌توان گفت جوهره حکمرانی به روابط اجزای درون حکومت و بخش‌های غیر حکومتی اشاره دارد (Kaufmann, 2010: 4). از نگاه دانشمندان علوم سیاسی حکمرانی بر فرگراود مدیریت سیاسی اشاره دارد که مبانی هنجاری اقتدار سیاسی و سبک هدایت امور عمومی و به‌کارگیری منابع عمومی را در بر می‌گیرد. مفهوم حکمرانی گسترده‌تر از حکومت است، حکومت به‌طور مشخص با نقش مقامات سیاسی در حفظ نظم اجتماعی در سرزمین معین و اعمال قدرت اجرایی در محدوده آن سروکار دارد. همان‌طور که مشخص است در تعریف حکمرانی سه اصطلاح پاسخگویی و حساب‌پس‌دهی، مشروعیت و شفافیت مورد توجه قرار می‌گیرد (پورعزت، ۱۳۸۷: ۱۸ - ۱۹). در واقع موضوع اساسی در حکمرانی، تصمیم‌گیری در این‌باره است که چه کسی، چه چیزی، چگونه، کجا و چه هنگام به‌دست آورد (Sapru, 2006: 308).

حکمرانی خوب به‌عنوان الگوواره جدید در اداره بخش عمومی نقطه تلاقی و تعامل بین رشته‌های گوناگون علوم انسانی مانند مدیریت، اقتصاد، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، حقوق، سیاستگذاری عمومی و روابط بین‌الملل را ایجاد کرده است. این الگو به‌ویژه از دهه ۱۹۸۰ به بعد

توسط نهادهای بین‌المللی و در پاسخ به اوضاع نامطلوب جوامع در حال توسعه و حرکت آنها به‌سوی توسعه ارائه شد. از نگاه دی فرانسی (۲۰۰۹)، الگوی حکمرانی خوب چگونگی حکمرانی، کیفیت رابطه بین شهروندان و حکومت را نشان می‌دهد. در این نظریه به دخالت منطقی دولت و نقش تسهیل‌گری و هماهنگ‌کنندگی آن تأکید شده است. در واقع اصطلاح حکمرانی خوب نشانه تغییر الگوواره نقش حکومت است و اینکه اولویت‌های گوناگون بر مبنای نیازها و خواست سطوح و اجزای گوناگون یک جامعه تحقق پیدا می‌کند (Abdellatif, 2003: 3-5).

اصول حکمرانی خوب

۱. مشارکت

میزان مشارکت مردم در امور جامعه یکی از کلیدی‌ترین پایه‌های حکمرانی خوب به‌شمار می‌رود. مشارکت می‌تواند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم (از طریق نهادهای قانونی) صورت گیرد؛ البته نمی‌توان انتظار داشت که در نظام تصمیم‌گیری یک کشور، تمام نظرات موجود مد نظر قرار گیرد، بلکه مفهوم مشارکت در اینجا، اشاره به آزادی بیان و تنوع دیدگاه‌ها و سازماندهی جامعه مدنی دارد.

۲. حاکمیت قانون

حکمرانی خوب نیازمند چارچوب عادلانه‌ای از قوانین است که دربرگیرنده حمایت کامل از حقوق افراد (به‌ویژه اقلیت‌ها) در جامعه بوده و به‌صورت شایسته‌ای اجرا شود. لازم به یادآوری است اجرای عادلانه قانون، مستلزم وجود نظام قضایی مستقل و بازوی اجرایی (پلیس) فسادناپذیر برای نظام است.

۳. شفافیت

شفافیت، به‌معنی جریان آزاد اطلاعات و امکان دسترسی آسان به آن برای همه است. هم‌چنین شفافیت را می‌توان آگاهی افراد جامعه از چگونگی اتخاذ و اجرای تصمیمات نیز دانست. در چنین شرایطی، رسانه‌های گروهی به‌راحتی قادر به تجزیه و تحلیل و نقد سیاست‌های اتخاذشده در نظام تصمیم‌گیری و اجرایی کشور خواهند بود.

۴. پاسخگویی

پاسخگویی نهادها، سازمان‌ها و مؤسسات در چارچوب قانونی و زمانی مشخص در برابر اعضای خود و ارباب رجوع، از جمله عواملی است که به استوارشدن پایه‌های حکمرانی خوب در یک جامعه منجر می‌شود.

۵. شکل‌گیری وفاق عمومی

همان‌گونه که بیان شد، فراهم‌کردن زمینه ظهور نظرات متفاوت در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، از جمله اصول حکمرانی خوب است. حکمران خوب، باید نظرات گوناگون را در قالب وفاق ملی عمومی به سمتی رهنمون کند که بیشترین همگرایی را با اهداف جامعه داشته باشد. ایفای این نقش حیاتی نیازمند شناخت دقیق نیازهای بلندمدت جامعه در مسیر حرکت به سمت توسعه پایدار است.

۶. حقوق مساوی (عدالت)

رفاه و آرامش پایدار جامعه، با برسمیت‌شناختن حقوق مساوی برای تمام افراد ممکن خواهد بود. در جامعه باید این اطمینان وجود داشته باشد که افراد، به تناسب فعالیت خود در منافع جامعه سهم خواهند بود. به عبارت دیگر در حکمرانی خوب، همه افراد باید از فرصت‌های برابر برخوردار باشند.

۷. اثر بخشی و کارایی

از حکمرانی خوب به عنوان ابزاری برای تنظیم فعالیت نهادها در راستای استفاده کارا از منابع طبیعی و حفاظت از محیط زیست نیز یاد می‌شود. کارایی و اثربخشی در مقوله حکمرانی از جمله مباحثی است که با گذشت زمان، اهمیت بیشتری پیدا کرده است.

۸. مسئولیت‌پذیری

مسئولیت‌پذیری را می‌توان یکی از کلیدی‌ترین مؤلفه‌های حکمرانی خوب به‌شمار آورد. در کنار مؤسسات و نهادهای حکومتی، سازمان‌های خصوصی و نهادهای مدنی فعال در جامعه نیز باید در برابر سیاست‌ها و اقدامات خود پاسخگو باشند. باید عنوان کرد که اصول حکمرانی خوب به صورت زنجیره‌ای به هم متصل بوده و اجرایی‌شدن هر کدام، مستلزم اجرای دیگر اصول است. برای مثال نمی‌توان انتظار داشت که مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی بدون وجود شفافیت و حاکمیت قانون جنبه اجرایی چندانی در جامعه داشته باشد.

تأثیر شاخص‌های الگوی حکمرانی خوب بر مدیریت بخش‌های اجتماعی و فرهنگی

– اجتماعی

باتوجه به همسازی بین نیروهای اجتماعی و فراگیری نهادهای سیاسی و اجتماعی حکمرانی خوب در درجه اول سبب برقراری عدالت در سطح روابط اجتماعی می‌شود. در این الگوی حکومتداری هیچ‌گونه تفاوت جنسیتی، نژادی، سنی و غیره دیده نمی‌شود. این خود عاملی در بهبود شرایط متغیرهای اجتماعی خواهد شد (اوغلو، ۱۳۹۳: ۱۱۸).

یکی از ویژگی‌های حکمرانی خوب حاکمیت قانون است. حاکمیت قانون اقدامات و سیاست‌گذاری‌ها به‌ویژه در زمینه زیست انسانی، بهداشت و دیگر معضلات اجتماعی در محدوده‌های عمیق جمعیتی و ملی را جمع‌بندی می‌کند و از دست‌اندازی‌های فردی و گروهی جلوگیری می‌کند. گسترش دایره انتخاب همه افراد جامعه و ایجاد فرصت‌های برابر زندگی حفاظت از منابع طبیعی برای نسل‌های آینده را آسان‌تر می‌کند. حکمرانی خوب توانمندسازی، همکاری و مشارکت و ارتقای احساس تعلق و افزایش رضایتمندی، برابری و عدالت و در نتیجه کاهش یا زوال احساس محرومیت و تضعیف فرایند قطعی شدن جامعه را آسان می‌کند. (کریمی‌مله، ۱۳۹۱: ۷۴).

حکمرانی خوب با تأکید بر تشکل‌ها، اتحادیه‌ها، سازمان‌ها و جوامع غیردولتی در عرصه‌های گوناگون زمینه آموزش و یادگیری را برای شهروندان فراهم می‌کند. این نهادهای غیردولتی حتی با گسترش فعالیت خود در ابعاد بین‌المللی می‌توانند زمینه توسعه پایدار و حل مسائل و آلودگی‌های زیست محیطی را فراهم کنند.

حکمرانی خوب با شاخص‌های تأثیرگذار در عرصه اقتصادی که در قسمت قبل شرح داده شد برخی نارسایی‌های اجتماعی برگرفته از وضعیت اقتصادی مانند فقر و بیکاری گسترده و مزمن را کاهش می‌دهد. این خود سبب کاهش برخی معضلات اجتماعی دیگر مانند طلاق و اعتیاد می‌شود. در قالب فرایندهای حکمرانی خوب برخی ابعاد خشونت‌ناپذیر مانند بیکاری گسترده و مزمن، روابط ناشی از رقابت ناسالم برای دستیابی به منابع در اثر موج مهاجرت، تهمت و لکه‌دار کردن افراد در زندگی روزانه و در گفتارهای عمومی نیز به‌وسیله خشونت‌ناپذیری که در شورش‌های قومی - نژادی متجلی می‌شود، به تدریج از جامعه برچیده می‌شود. باید گفت نبود شاخص‌های حکمرانی خوب به ظهور دولت‌های شکننده منجر می‌شود. این دولت‌ها با معضلات اجتماعی توسعه‌نیافتگی پایدار، فقر و درآمد اندک کشور، اعمال تبعیض‌های منفی و برون‌رانی برخی گروه‌ها یا اقوام از مناطق جغرافیایی و مشروعیت پایین و ثبات سیاسی اندک، ناتوانی در اعمال اقتدار و در ارائه خدمات روبه‌رو است (یزدان‌فام، ۱۳۹۰: ۵۰ - ۴۹).

فساد و ناکارایی نظام اداری در هر جامعه‌ای، تضعیف‌کننده بنیان‌های اخلاقی است و ایجادگر انواع فساد اخلاقی - اجتماعی در جامعه به‌شمار می‌رود. در جامعه‌ای که انجام کارهای اداری بدون تقلب، رشوه، دروغ و پارتی‌بازی ناممکن باشد، افراد برای آسان‌سازی کارها و جلوگیری از هزینه‌های بیشتر، به پیروی از قواعد فسادآور موجود روی می‌آورند. تداوم پیروی افراد از قواعد

این نظام همه‌جا موجود، به تدریج نهادینگی این قواعد در سطوح کلی جامعه را در پی دارد. بخشی از گستردگی و عمق پدیده‌هایی چون دروغ، ریا و خودمحموری منفی در جامعه نتیجه فساد و ناکارایی نظام اداری است که این اخلاق را بر مردم تحمیل کرده است. ازسوی دیگر فساد و دیوانسالاری ناکارآمد خود عامل مهمی در افزایش هزینه‌ها و ناکارآمدی حوزه بهداشت و درمان و آموزش خواهد شد. بر این اساس حکمرانی خوب با مترتب‌ساختن نظام اداری بر مبنای ساختارهای پویا و ضابطه‌مند، تبیین راهبرد دقیق در عرصه‌های گوناگون، فرهنگ سازمانی مترقی و بهره‌گیری از نیروهای شایسته و لایق در کاستن معضلات اجتماعی، کاهش هزینه‌های بهداشتی و آموزشی، ایجاد اعتماد عمومی و سرانجام مشروعیت و ثبات برای نظام سیاسی عمل کند.

– فرهنگی (اعتماد نفس فردی و همبستگی ملی)

الگوی حکمرانی خوب ساختاری متوازن و همساز دارد که تعامل و تعادل بین نیروهای اجتماعی نمود بارز آن است. با توجه به رفع تبعیض و بی‌عدالتی و هم‌چنین حضور همه‌گیر و فراگیر یکایک همه افراد در مناسبات اجتماعی و سیاسی و تعلق به کشور، سرانجام انسجام ملی شکل می‌گیرد. حضور و اعتماد به نفس فردی را افزایش می‌دهد و آنها را برای رقابت در قالب‌های مشخص آماده می‌کند. در این نظام اجتماعی رفتار افراد ضابطه‌مند و در قالب قواعد و رویه‌های خاصی تعریف می‌شود و زمینه مفاهمه و اعتماد بین افراد ایجاد خواهد شد. ساختار الگوی حکمرانی خوب ضمن تأثیر در تأمین امنیت فیزیکی و مادی بر امنیت معنوی هم تأکید دارد و همان‌طور که گفته شد با قراردادن افراد در نقش‌های متفاوت و گوناگون در شخصیت‌سازی و رضایت درونی و به‌نوعی امنیت معنوی و درونی او مؤثر خواهد بود. شفافیت و پاسخگویی در الگوی حکمرانی خوب اعتماد و رضایت شهروندان را فراهم می‌کند و می‌تواند در اتحاد و بسیج ملی راهگشا باشد. ازسوی دیگر آگاهی شهروندان جامعه از روش‌های گوناگون مانند رسانه‌ها و حضور در شبکه‌ها و تشکل‌ها تقویت خواهد شد. مشارکت سازماندهی‌شده و منسجم زمینه رفتاری و کارکردی با ثبات و قابل پیش‌بینی در آن جامعه شکل می‌دهد؛ بنابراین زمینه برای همکاری و ارتباط بین افراد با حفظ حقوق و تعیین مسئولیت‌ها نسبت به یکدیگر فراهم خواهد شد. کارایی، پاسخگویی و فرهنگ سازمانی مترقی که در قالب حکمرانی خوب در نظام اداری ایجاد خواهد شد بر شخصیت، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی و حسن اعتماد بین افراد تأثیرگذار خواهد بود. می‌توان رابطه‌ای دوجانبه بین فرهنگ و حکمرانی خوب ترسیم کرد. بیش و جهان‌بینی و رشد شخصیتی در سطح فردی و گروهی زمینه را برای ایجاد چشم‌اندازی چون حکمرانی خوب در تحولات عصر جدید

پیش می‌آورد و به مجادلات گوناگون به شکل نهادی و ساختاری پاسخ می‌دهد. اما ساختار متوازن حکمرانی خوب و ویژگی‌های دولت نقش اصلی در رشد و شکوفایی شخصیت افراد خواهد داشت و انسان‌ها را در ارتباط با تحولات گوناگون اجتماعی همساز می‌کند.

ظرفیت‌های قومی مؤثر بر امنیت ملی در ایران در راستای حکمرانی خوب

۱. فرصت دانستن تنوع اقوام: «بیشتر کشورهای دنیا با مقوله تنوع اقوام روبه‌رو هستند و معمولاً در کشورهای مختلف تعدد اقوام و قومیت‌ها یکی از نگرانی‌های آنهاست؛ در کشور ما به عکس است» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۷). «تنوع اقوام را ما برای کشورمان یک فرصت به حساب می‌آوریم، این یک حقیقت است. حقیقتاً برای ما تنوع اقوام یک فرصت است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۸)؛ زیرا «ایران یکپارچه است» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۹) و مانند «شوروی متشکل از سرزمین‌های به هم سنجاق شده نیست» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۹). «حتی آن قسمت‌هایی هم که در قرن‌های گذشته جدا شدند، اگر ته دلشان را بگردید، مایلند با ما باشند. آنها هم دلشان می‌خواهد که به این مادر بپیوندند. این کجا، کشور اتحاد جماهیر شوروی کجا؟ ده، یازده کشور را با سنجاق یا به تعبیری با شلاق به هم بستند و به اصطلاح یک کشور تشکیل گردید! معلوم است که تا شلاق برداشته شد، از هم جدا می‌شوند و شدند» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۹). بر همین اساس رهبر انقلاب از یک‌سو در رهنمودی به نمایندگان دوره هفتم مجلس شورای اسلامی می‌فرماید: «همه تمایلات منطقه‌ای و قومی و بخشی باید در پرتو نگاه ملی برآورده شود» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۳) و از سوی دیگر بر امکانات و ظرفیت‌های فرهنگی و اجتماعی مردم این مناطق به‌عنوان یک سرمایه و ثروت ملی نظر افکنده می‌شود: «زبان کردی یک ثروت ملی است، استعدادهای علمی و هنری جوانان این‌جا یک ثروت ملی است، استعداد ورزشی جوانان کردستان یک ثروت ملی است؛ از این ثروت‌های ملی باید استفاده بشود، بهره‌برداری بشود، به فعلیت برسد» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۸).

۲. مخالفت با تبعیض میان اقوام: رهبر انقلاب دربارهٔ نبود تبعیض میان اقوام ایرانی می‌گویند: «نظام جمهوری اسلامی مطلقاً با نگاه تبعیض‌آمیز نگاه نمی‌کند؛ نه به کردستان و نه به هر نقطهٔ ویژه دیگری در سرتاسر کشور. نگاه نظام جمهوری اسلامی به تنوع قومی و تنوع مذهبی مطلقاً نگاه تعصب‌آمیز، قوم‌گرا، یک‌جانبه‌نگر نیست. این را به‌طور قاطع من اعلام می‌کنم. نه امروز هست، که من از نیت خودم و دل خودم حرف می‌زنم، نه در طول زمان‌های گذشته در دهه ۶۰، زمان حیات

مبارک امام رضوان الله تعالی علیه چنین چیزی نبوده» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۸). جمهوری اسلامی علاوه بر اینکه سیاست غلط رژیم گذشته را مبنی بر بیگانه‌انگاشتن اقوام نفی نمود و «این نگاه را تصحیح کرد؛ نه فقط در سطح مسئولان، بلکه در سطح آحاد مردم» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۸) و نگاه اسلامی را که مبتنی بر «برادری و اتحاد و همدلی و صمیمیت است» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۸) جایگزین آن کرد؛ بنابراین در تمام برنامه‌های اقتصادی و توسعه‌ای، تبعیضی میان مردم سراسر کشور به‌ویژه مناطق قومی قائل نشد. اما در سال‌های آغازین انقلاب باوجود برنامه‌ریزی برای حل مشکلات ناشی از رژیم گذشته، «حضور ضد انقلاب» و «ایجاد ناامنی در این مناطق» مانع از فعالیت نظام اسلامی و در نتیجه سبب عقب‌افتادن این مناطق از توسعه و به‌ویژه در حوزه زیرساخت‌ها شد و «ضدانقلاب این فرصت را متأسفانه برای مدت چندسال از دست نظام جمهوری اسلامی گرفت» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۸).

۳. مشارکت اقوام ایرانی در سرنوشت خود: حاکم‌نبودن نگاه تبعیض‌آمیز به اقوام در نظام جمهوری اسلامی ایران سبب نقش‌آفرینی عموم مردم از اقوام گوناگون و نخبگان در حوزه‌های گوناگون خواهد شد. وجود «انواع سلیقه‌ها و گرایش‌های سیاسی و اقوام ایرانی و پیروان ادیان و اهالی مناطق گوناگون کشور در مجلس» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۳) نشان از حضور و نقش‌آفرینی تمامی اقوام ایرانی در قانون‌گذاری دارد. نبود مرزبندی قومی و مذهبی برای حضور در بسیج نیز نشانه دیگری از نقش اقوام ایرانی در یک جمع ارزشی و انقلابی و نقش‌آفرینی آنها در دفاع از نظام اسلامی است. به فرموده رهبر انقلاب: «بسیج، مرز صنفی و مرز جغرافیایی و قومی نمی‌شناسد. همه اقوام ایرانی، همه اصناف گوناگون ملی در سطوح مختلف فکری از انسان‌های نخبه برجسته ممتاز در میان اهل علم و دانشجویان تا جوان‌های فعال و پرشور صحنه‌های دیگر، همه در بسیج جمع‌اند. بسیج نماد حضور ملی و مقاومت ملی و آگاهی یک ملت است» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۴). رهبر معظم انقلاب بر استفاده از روحیه قومی برای پیشرفت ملی تأکید می‌کنند: «هر قومی از اقوام ایرانی، چه کرد، چه فارس، چه تُرک، چه بلوچ، چه عرب، چه ترکمن، چه لُر، سعی کند با همان روحیه قومی در جهت پیشرفت ملی، نه صرفاً پیشرفت قومی، گام‌های بلندتری بردارد» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۸).

۴. اعطای حقوق مسلم اقوام: در نظام اسلامی مقوله «قومیت» و «مذهب» هیچ‌گاه مانع شناسایی و اعطای حقوق مسلم اقوام ایرانی نخواهد بود، بلکه «نظام جمهوری اسلامی محور قضاوتش، اسلام

و ایرانی بودن است؛ اسلام و ایرانیت. همه مسلمان‌ها و همه ایرانی‌ها در این نگاه، در محدوده جغرافیایی کشور دارای ارزش هستند» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۸)؛ بنابراین «ما وقتی که می‌خواهیم یک ایرانی را به‌عنوان یک ایرانی به حقوق حقه خودش برسانیم، از او سؤال نمی‌کنیم که مذهب و یا حتی دین تو چیست؛ نه، هم‌وطن ماست و از حقوق همشهری‌گری با ما دارد استفاده می‌کند و در این مملکت زندگی می‌کند؛ چیزی باید بپردازد، کاری باید بکند و حقوقی هم دارد. حق امنیت، حق زندگی، حق کار، حق تلاش، حق تحصیل و فرهنگ دارد» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۰). از سوی دیگر «امنیت، حق عمومی و متعلق به همه مردم در سرتاسر کشور است و اقوام مختلف، زبان‌های مختلف، عادات مختلف و ادیان مختلف از آن بهره می‌برند» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۹).

۵. جدا کردن حساب اقوام ایرانی از اشرار و فریب‌خوردگان: از سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران جدادانستن حساب اقوام از اشرار و فریب‌خوردگان است. این سیاست در رویارویی با تبلیغات دشمنان که در تلاش بودند تحركات علیه جمهوری اسلامی ایران را در مناطق قومی به حساب اقوام بگذارند، بسیار کارآمد و مؤثر بود؛ بنابراین حضور برخی از اشرار در بعضی مناطق نه تنها جمهوری اسلامی ایران را نسبت به مردم منطقه بدبین نمی‌کند، بلکه نظام را بر آن می‌دارد که منطقه را از لوٹ وجود آنها با همکاری مردم منطقه پاک کند. رهبر معظم انقلاب در دیدار با مردم سقز به این جداسازی اقوام از اشرار تأکید می‌کند: «به عموم ملت ایران از اقوام گوناگون هم بگویم، مبدا به اشتباه بیفتند. مبدا رفتار گروه‌های اندک‌شمار که پنجه به چهره انقلاب و جمهوری اسلامی می‌زدند، به حساب این مردم عزیز، این جمعیت انبوه، این دل‌های وفادار نوشته بشود. تعداد معدودی انسان‌های شریر یا فریب‌خورده که در هر نقطه‌ای پیدا می‌شوند، در کردستان و در غیر کردستان، حساب این‌ها از حساب متن مردم عزیز این استان به کلی جداست» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۸). و خود مردم با این افراد برخورد می‌کنند. وجود گروه «پیشمرگان کرد مسلمان» یکی از مصداق‌هایی است که ایشان در اثبات این مطلب بیان می‌کنند: «در همان دورانی که در این جا و جاهای دیگر، یک عده ایادی بیگانه به نام مردم کرد حرف‌هایی می‌زدند که مردم کرد روحشان از آن حرف‌ها خبر نداشت، آن روزی که در این استان و استان‌های هم‌جوار، دست‌های شیطنت‌آمیز دشمنان به فکر فتنه و برادرکشی بودند، خود مردم این استان در صفوف

مقدم قرار گرفتند؛ یاد مجموعه رشید و پرافتخار پیشمرگان کرد مسلمان هرگز از خاطره آن کسانی که مجاهدات آنها را دیدند، نخواهد رفت (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۸).

۶. اهانت به مقدسات یکدیگر؛ خط قرمز نظام اسلامی: در نظام اسلامی «اهانت به ارزش‌ها و مقدسات گروه‌های مختلف قومی و مذهبی» که در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است، به‌عنوان «خط قرمز» معرفی شده است. رهبر انقلاب در این باره می‌فرماید: «دشمن امید بسته است که بتواند پیروان مذاهب گوناگون را مقابل هم قرار بدهد. هیچ کس نباید تسلیم این نقشه خائنانه و خیانت‌آمیز دشمن بشود. آنها می‌خواهند شیعه در مقابل سنی، سنی در مقابل شیعه، دل‌ها از هم چرکین، نسبت به هم بدبین، آنها این را می‌خواهند. برای همین است که من اعلام کردم، باز هم تأکید می‌کنم خط قرمز از نظر نظام اسلامی و از نظر ما عبارت است از اهانت به مقدسات یکدیگر (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۸). از سوی دیگر رهبر معظم انقلاب با «اعلام حرمت تقلید لهجه قومیت‌ها در صورت تمسخر لهجه»، به ریشه‌یابی این نقشه استعمار می‌پردازد: «غالب این شهرهایی که لهجه‌های آنها تقلید می‌شود، شهرهایی هستند که دارای مردم غیرتمندی هستند که در حوادث مهم صد سال پیش در مقابل دشمنان و مهاجمین ایستاده‌اند. این تصادفی نیست. این تقلید هم سابقه ندارد. یعنی توی هیچ یک از این کتاب‌های ادبی و طنز و غیره ما ندیدیم که یک حرفی باشد که نشان‌دهنده تقلید لهجه باشد. این مال همین اواخر است؛ یعنی مثلاً از صد سال پیش به این طرف؛ یعنی از وقتی که کشور ما در مواجهه با این دشمنی‌ها قرار گرفته، یکی از مناطقی که ایستادگی سرسخت کرده، مناطق شمال است، منطقه گیلان، یکی از مناطق، منطقه خراسان است؛ یکی از مناطق، مناطق آذربایجان است. ها آن جاهایی هستند که مردمش سرسختی و سلحشوری نشان دادند. اتفاقاً سعی شده است که همین‌ها از لحاظ لهجه در بین مردم سبک بشوند. یعنی تقلید می‌شود (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۹).

۷. هویت قومی، جزئی از هویت ملی ماست: تنوع قومی در ایران - به دلیل وجود مؤلفه‌های حقیقی همبستگی میان اقوام و قرارگرفتن هویت قومی به‌عنوان جزء جدانشدنی هویت ملی - فرصت قلمداد می‌شود؛ پس هرچه مؤلفه‌های هویت قومی با توجه به هویت ملی تقویت شود، هویت و همبستگی ملی نیز تقویت خواهد شد: «سنت‌های مختلف، آداب و عادات مختلف و استعداد‌های گوناگون و متنوع، یک فرصت است که اجزای گوناگون این ملت بتوانند یکدیگر را تکمیل کنند؛ با مرادفات درست و با هم‌زیستی و اتحاد کامل. برای ملت ما این یک افتخار است که چنین

نگاهی به مسئله تنوع اقوام دارد. علت هم این است که اسلام منبع الهام این نظام است و در این نگاه اسلامی، بین نژادهای مختلف و زبان‌های مختلف، ولو از ملت‌های گوناگون، تفاوتی نیست؛ چه برسد به اقوام مختلف در میان یک ملت. نگاه اسلام این است و نگاه نظام اسلامی هم این است. لذاست ما به منطقه کردی، استان کردستان و مناطق اقوام دیگر با نگاه اسلامی نگاه می‌کنیم (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۸).

پیشینه پژوهشی

در زمینه قومیت، فرهنگ قومیت و امنیت ملی می‌توان به کارهای پژوهشی از جمله مقاله آنوار و همکاران (۲۰۱۵) در مالزی اشاره کرد. آنوار و همکاران در مقاله خود اشاره کردند که وجود اقوام گوناگون در مالزی، سبب تنوع فرهنگی زیاد در این کشور شده است، که این شرایط ثبات مالزی را در معرض خطر قرار داده است. بعد از مشکلات به‌وجودآمده در مالزی در سال ۱۹۶۹ ناشی از تنوع فرهنگی اقوام، دولت مالزی اقدام به تدوین سیاست‌های قومی برای حل این بحران کرد؛ اما بعد از مدتی دولت مالزی به همه‌جانبه‌نبودن این قانون پی برده است. امروزه بعد از گذشت سال‌ها از تصویب این قانون و باوجود روند مثبت توسعه این کشور، هنوز هم مشکلات فرهنگی اقوام متعدد در این کشور امنیت ملی آن را تهدید می‌کند و دولت مالزی نتوانسته است موفقیت کامل در حل این بحران‌ها را به‌دست آورد.

پاتریک و همکاران (۲۰۱۵) به بررسی تأثیر اقوام و تنوع فرهنگی بر همگرایی ملی در نیجریه پرداختند. آنها اشاره کردند درگیری فرهنگی میان اقوام گوناگون در نیجریه تأثیر منفی در همگرایی ملی این کشور داشته است. هم‌چنین آنها بیان کردند مشکلات فرهنگی اقوام در نیجریه تاریخی است و درگیری فرهنگی این اقوام در سال‌های دور ریشه دارد. تأثیرات منفی این درگیری‌ها بر امنیت ملی سبب شده تا دولت نیجریه در فکر وحدت در تنوع فرهنگی و یکپارچگی فرهنگی ملی در ورای تنوع فرهنگی و اجتماعی اقوام باشد. هم‌چنین سانسو و ادوین (۲۰۱۶) هم به مشکلات فرهنگی و مذهبی موجود در نیجریه اشاره کردند. آنها بیان کردند یکی از عوامل اصلی که امنیت کشور نیجریه را به‌خطر می‌اندازد، مشکلات فرهنگی و درگیری مذهبی بین اقوام در این کشور است.

در مطالعات داخلی رحمتی و همکاران (۱۳۹۱)، در زمینه فرهنگ و امنیت ملی اشاره کردند که نظام امنیت فرهنگی ما ضعیف است. به این معنی که تلاش‌های ما در زمینه امنیت، بیشتر معطوف به لایه سیاسی و نظامی است و در رتبه بعدی به اقتصاد و سپس به لایه اجتماعی می‌رسد. در این اولویت‌بندی دیگر جایی برای امنیت فرهنگی باقی نمی‌ماند. درحالی که تهدیدات و ضرباتی که در لایه فرهنگ به پیکره نظام و مردم وارد می‌شود، تأثیرات بلندمدت دارد و هرچند آثار آن خیلی زود آشکار نمی‌شود، اما در طولانی‌مدت به ریشه‌ها رسیده و خطرات مهلکی ایجاد می‌کند.

بافقی و همکاران (۱۳۹۲) و شاهد علوی (۱۳۸۳) به بررسی تأثیرگذاری هم‌گرایی ملی اقوام ایرانی بر امنیت عمومی پرداختند. در مجموع آنها در این اثر اظهار داشتند که سکونت گروه‌های قومی کشورمان در مناطق مرزی و همجواری با قوم مشترک در آن‌سوی مرز، تحولات منطقه‌ای و تحرکات روزافزون دشمنان به‌منظور تفرقه‌افکنی در داخل کشور از عواملی است که بر اهمیت تلاش برای ایجاد انسجام ملی در بین اقلیت‌های قومی در ایران می‌افزاید. عواملی همچون موقعیت جغرافیایی اقوام ایران، تحولات منطقه‌ای، سیاسی‌کردن هرگونه مطالبات قومی، نبود توازن توسعه ملی و شبکه‌های رادیکال قومی - مذهبی مهمترین عوامل واگرایی بین اقلیت‌های قومی ایران بوده و پایداری سرزمین، بنیادهای فرهنگی، احزاب سیاسی، مشارکت سیاسی و عامل تاریخی به‌صورت ترکیبی، مهمترین عوامل همگرایی و انسجام ملی اقلیت‌های قومی در برقراری امنیت عمومی است.

باتوجه به مطالعات نظری اشاره‌شده و بررسی‌های پژوهشگر، در مطالعات داخلی پیرامون فرهنگ و امنیت به‌طور جداگانه پژوهش‌های زیادی انجام شده است. هم‌چنین پیرامون رابطه دو متغیر مهم اجتماعی - فرهنگی و امنیت ملی هم هرچند کم، اما پژوهش‌هایی ازجمله تحقیق اشاره‌شده انجام شده است. هم‌چنین پژوهش‌هایی در ارتباط با همبستگی و واگرایی و همگرایی اقوام و تأثیر عوامل گوناگون بر موضوعات اشاره‌شده انجام شده است؛ علاوه بر این پیرامون تأثیر ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی اقوام به‌طور خاص بر امنیت ملی پژوهش‌هایی در مطالعات خارجی انجام شده است، اما در داخل مطالعه‌ای به‌طور ویژه حول این موضوع (خاصه تأثیر عوامل اجتماعی - فرهنگی اقوام بر امنیت ملی) انجام نشده است؛ بنابراین این پژوهش از دو دیدگاه جدید است: ۱. تأثیرگذاری ویژگی اجتماعی - فرهنگی اقوام بر امنیت ملی خاصه در منطقه ترکمن صحرا ۲. در کنار مباحث نظری اشاره‌شده به بیان مشاهدات میدانی تأثیرگذاری این عوامل بر امنیت ملی اشاره خواهد شد، و تمام این مراحل بر اساس نظریه کپنهاگ تفسیر می‌شود.

روش پژوهش

روش پژوهش توصیفی - تحلیلی و شیوه جمع‌آوری اطلاعات آن مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای - اسنادی است. تعاریف و نظریه‌ها با استفاده از کتاب‌ها، مقالات، منابع اینترنتی، طرح‌ها، پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها استخراج شده است. هم‌چنین یافته‌های پژوهش بر اساس مطالعات نظری و مشاهدات میدانی در سطح محدوده مورد مطالعه است.

یافته‌های پژوهش

دستاوردهای فرهنگی و اجتماعی قوم ترکمن موثر بر امنیت ملی در راستای حکمرانی خوب

۱. مذهب و آداب و رسوم مذهبی ترکمن

ترکمن‌ها مردمی ترک‌زبان و مسلمان سنی حنفی مذهب هستند. در میان ترکمن‌ها جشن‌ها بیشتر جنبه مذهبی دارد و به آنها بایرام گفته می‌شود. قربان بایرام (عید قربان)، ارزام بایرام (عید فطر) و هم‌چنین جشن‌های رمضان به مناسبت نیمه رمضان و جشن نیمه شعبان که خود عامل وحدت‌بخش با اقوام و دیگر مردم کشور است. این وحدت به نوبه خود می‌تواند زمینه را برای افزایش ضریب امنیت ملی فراهم کند؛ به طوری که هر چه این اشتراکات بیشتر باشد، وحدت بیشتر و افزایش امنیت ملی را در بر دارد. در زیر به برخی از این اعیاد و مراسم عبادی اشاره می‌کنیم که بین ترکمن‌ها مرسوم است و با مراسم دیگر مردم این سرزمین اشتراک دارد.

الف. عید قربان یا قربان بایرام

این عید، عید بزرگ برای مسلمانان است. قربان بایرام یا عید قربان که مهم‌ترین جشن ترکمن‌ها است و در روز دهم ذی‌الحجه با قربانی کردن دام برگزار می‌شود. ترکمن‌ها مانند دیگر مردم ایران نماز عید قربان را به جماعت برگزار می‌کنند (گوکلان، ۱۳۹۲: ۹۹).

ب. عید فطر یا آرزام بایرام

یکی از اعیاد بزرگ تمام مسلمانان و از جمله ترکمن‌ها عید فطر است. ترکمن‌ها همراه تمام مردم مسلمان ایران در این روز، روزه را حرام می‌دانند. در این روز مردان در گروه سنی که، نماز بر آنها واجب شده است، به عیدگاه می‌روند و در صفوف به هم فشرده و منظم به سخنان و پند و اندرز واعظان گوش می‌دهند. سپس به امامت امام‌جمعه شهر دو رکعت نماز عید فطر می‌خوانند و بعد از نماز بلافاصله به دید و بازدید اقوام و خویشاوندان و دوستان می‌روند (گوکلان، ۱۳۹۲: ۱۰۰).

ج. احترام به روز عاشورا

یکی از روزهای به یادماندنی و با فضیلت و کرامت، ایام محرم و به ویژه روزهای عاشورا و تاسوعا است. عاشورا و تاسوعا در نزد ترکمن‌ها به استناد احادیث و روایات، از احترام و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. ماه محرم در میان ترکمن‌ها به عنوان «عاشورای» معروف است و وجه تسمیه آن به خاطر وجود روز عاشورا در آن ماه است. ترکمن‌ها در این ماه با کرامت، آداب و رسوم خاصی دارند مانند: خواندن نماز نافله، دادن صدقه، پختن انواع نان، اطعمه محلی، دعوت از اهالی محله در مراسم نماز، فرستادن صدقه به مساجد، خواندن دعا و قرآن به ارواح طیبه شهدای مظلوم کربلا به ویژه امام حسین (علیه السلام) است (گوکلان، ۱۳۹۲: ۱۰۴).

مولوی گرگیچ یکی از علمای شاخص، بزرگ و تأثیرگذار اهل سنت شمال کشور، در باب عزاداری ایام محرم و عشق و علاقه ترکمن‌ها به خاندان پیامبر این گونه نظرات خود را بیان می‌کند: محبت به اهل بیت پیامبر (ص) همواره در دل اهل سنت موج می‌زند. اگر به شناسنامه برادران اهل سنت توجه کنیم در بین آنها نام‌هایی همچون حسن، حسین، فاطمه و زینب مشاهده می‌شود. یکی از رویدادهایی که در چند سال اخیر در بین ترکمن‌ها رواج پیدا کرد که زمینه را برای وحدت و همگرایی بیشتر این قوم با دیگر مردم این سرزمین فراهم می‌کند و نشان‌دهنده عشق و علاقه آنها به ائمه است، حضور ترکمن‌ها و علمای اهل سنت در مراسم اربعین امام حسین (ع) است. به عنوان نمونه می‌توان از عبدالرزاق آخوند مدیر حوزه علمیه عرفانی آق‌قلا، صلاح‌الدین ایشان گوکلان مدیر حوزه چنارین و همچنین می‌توان از چهره‌های سیاسی و فرهنگی ترکمن مانند نیاز ساعی، سلیمان هیوچی و یاشار نیازی در مراسم اربعین حسینی نام برد. عشق به امام حسین (ع) و دیگر ائمه در مضمون اشعار شاعران بزرگ ترکمن دیده می‌شود (عموزاد خلیلی، ۱۳۹۵: ۱۶۴). از جمله مختوم‌قلی فراغی که نام امام حسین را ۲۴ بار در دیوان اشعارش تکرار کرده است که نشان‌دهنده علاقه و اهمیتی است که این شاعر بزرگ برای ایشان قائل است. یک نمونه از شعرهای او در این زمینه بدین شرح است:

حسن، حسن دینینگ الوری، ماهی قانی فاطمه زهرا، مور لوینگ شاهی

قدرت نیلن دوران نور الهی

در این شعر مختوم‌قلی امام حسن (ع) و امام حسین (ع) را ماه و پرتو دین و مادرشان فاطمه زهرا (س) را شاه حوریان بهشت می‌داند (اعظمی راد، ۱۳۹۳: ۸۱).

د. ماه شعبان

یکی از ماه‌هایی که در میان ترکمن‌ها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، ماه شعبان است. از دیدگاه ترکمن‌ها سه ماه رجب، شعبان و رمضان به‌عنوان ستاره عبادت و بندگی مسلمان‌ها در نزد پروردگار تلقی می‌شود. یکی از اعتقادات ترکمن‌ها در زمینه ماه شعبان قرار داشتن شب برائت در این ماه مبارک است.

هـ. اعتقاد به امام رضا (علیه‌السلام)

ترکمن‌های شمال کشور اعتقاد زیادی به امام رضا(ع) دارند و در طی سال چندین بار به زیارت ایشان می‌روند. بیشتر ترکمن‌ها قبل از سفر حج به زیارت امام رضا(ع) می‌روند. از دیگر آداب دینی ترکمن‌ها کنار گذاشتن بخشی از درآمد کشاورزی خود برای زیارت امام رضا(ع) است. آنها این کار را بسیار خوش‌یمن و سبب افزایش روزی خود در سال بعد می‌دانند (گوکلان، ۱۳۹۲: ۱۰۵). در مورد زیارت امام رضا(ع) در میان اهل سنت و علما این استدلال حاکم است که به هر حال زیارت مستحب است و بر این حدیث تأکید دارند: «انی نیتکم و عن زیاره القبور الا فزوروا فانها تذکر الاخره»؛ یعنی برای یادآوری آخرت زیارت کنید. زیارت بزرگان هم یادآوری آخرت است؛ بنابراین علمای بزرگ اهل سنت ترکمن بر این مبنا می‌گویند زیارت در فقه ما به دلایل زیاد مستحب است (عموزاد خلیلی، ۱۳۹۵: ۱۷۳).

و. نقش روحانیون مذهبی

آخوندها در گذشته نفوذ بسیار زیادی بر قبایل ترکمن داشتند. علمای مذهبی به‌طور تقریب همه‌کاره اقوام ترکمن بودند؛ اما کم‌کم با پیشرفت علمی و فرهنگی جوامع ترکمن، نفوذ روحانیون نسبت به گذشته کمتر شد؛ هرچند امروز نیز اهمیت و ارزش زیادی دارند. نفوذ روحانیون ترکمن در میان این اقوام می‌تواند عاملی در راستای وحدت هرچه بیشتر این قوم با دیگر مردم ایران باشد و زمینه کاهش تنش احتمالی و واگرایی را فراهم کند. امروزه در جوامع ترکمن سه گروه نقش بسیار زیادی دارند: روحانیون، ریش‌سفیدان و نخبگان که نقش و نفوذ آخوندها یا روحانیون نسبت به دیگران بیشتر است (پیردشتی، ۱۳۸۱: ۱۰۲). قضاوت بین ترکمن‌ها هم بیشتر به‌وسیله آخوندها و یا بزرگان قوم انجام می‌شود، ولی آخوندها نقش زیادی در امر قضاوت داشتند. ترکمن‌ها هنگام حل و فصل بیشتر مسائل مورد مناقشه بنا بر معمول به یاری میانجی متوسل می‌شوند (لوگاشوا، ۱۳۵۹: ۱۵۱). بیشتر علمای ترکمن در بیانات خود بر این مسئله تأکید می‌کنند که اهل سنت و شیعه عقاید خاص خودشان را دارند و باید مورد احترام باشند و اگر عادت کنیم که نظر یکدیگر را

تحمل کنیم، وحدت حاصل می‌شود. یک نمونه از این آخوندها، آخوند نظری است که رئیس حوزه علمیه بخش کمالان است در مصاحبه خود این‌گونه ارتباط بین شیعه و سنی و اتحاد بین آنها را توضیح می‌دهد. آخوند نظری در بیانات خود بر روابط حسنه و برادرانه شیعه و سنی و احترام آیین و رسوم یکدیگر و شرکت در مراسمات عزا و عروسی و حضور در اجتماعات گوناگون مانند راهپیمایی ۲۲ بهمن تأکید می‌کند. آخوند نظری در مورد ارتباط بین علما اینگونه توضیح می‌دهد که بین علمای شیعه و سنی به‌ویژه با نماینده ولی فقیه در منطقه گلستان ارتباط خوبی برقرار است. در مورد موضع‌گیری برادران اهل سنت نسبت به حرکت‌های افراطی، این‌گونه حرکت‌ها را مضحک و خلاف دین می‌داند که ضربه بزرگی بر پیکره دین اسلام می‌زند و حرکت آنها را مردود و غیر انسانی می‌داند (عموزاد خلیلی، ۱۳۹۵: ۱۴۳).

نمونه دیگر از این علمای بزرگ آخوند قزل است. این روحانی بزرگ در سخنرانی‌ها و گفت‌وگوهای خود بر این نکته تأکید می‌کند که با شناخت ریشه‌های اختلاف و دلایل اختلاف و کنار هم قراردادن این اختلافات، مسلمانان دچار تنش نخواهند شد. ائمه جماعت و علما در سخنرانی‌های خود بر این نکته تأکید می‌کنند که تعدد عقاید در دین وجود دارد و امری اجتناب‌ناپذیر است، اما این تعدد عقاید نباید دلیلی بر اختلاف و نبود وحدت باشد. در مورد دیدگاه بزرگان و علمای اهل سنت در مورد هفته وحدت و نوع دیدگاه‌های آنها پرسش شد؛ ایشان آن را وسیله‌ای برای تقویت دین و محبت به خدا و رسول او و تقویت صفا و صمیمیت می‌دانند. حاج آخوند سن سبلی مدیر حوزه علمیه اهل سنت در مورد وحدت و اتحاد بین مسلمانان بیان می‌کند: وحدت یک نقطه برتری برای رسیدن به پیروزی برای اسلام و مسلمانان است و هر چه وحدت تحکیم بیشتری داشته باشد، پیشرفت و پیروزی اسلام قاطعانه‌تر است و بزرگ‌ترین آرزوی دشمنان را ایجاد اختلاف میان برادران اهل سنت و شیعه می‌داند (عموزاد خلیلی، ۱۳۹۵: ۱۴۵).

۲. آداب و رسوم، اسطوره‌ها، مفاخر ملی و قومی ترکمن

در ادامه به برخی آداب و رسوم مشترک ترکمن‌ها با دیگر مردم ایران و همچنین مفاخر ملی و اسطوره‌های آنها اشاره می‌شود که می‌تواند نقش مهمی در همگرایی و وحدت این قوم با اقوام دیگر داشته باشد و در نتیجه زمینه را برای وحدت و افزایش امنیت ملی فراهم کند.

الف. عید نوروز

آیین‌های همگانی و ملی بیشترین نقش را در حفظ هنجارهای فرهنگی و انسجام اجتماعی و نظم در یک جامعه چندفرهنگی و چندقومی دارد. در ایران در رأس آیین‌های ملی ما، آیین نوروز قرار

دارد. نوروز بیانگر هویت ایرانی است که می‌تواند نقش مهمی در وحدت ملی کشور داشته باشد. مقابله با میراث فرهنگی یک ملت راه به‌جایی نخواهد برد؛ زیرا اسطوره‌های ملی را نمی‌توان از میان برداشت و یا تأثیر آن را از بین برد؛ بلکه باید در حفظ آنها کوشید تا از نیروی درونیشان برای وحدت ملی بهره برد. ماندگاری و پایداری آیین نوروز در بین همه اقوام ایرانی در چند هزاره نشان می‌دهد که این آیین مورد قبول تمام مردم ایران از هر آیین و قوم و دین است. نوروز از روزگار کهن پیوندگر افراد و اقوام ایرانی بوده و اینک نیز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر فرهنگ ملی و عامل همبستگی ملی اقوام ایرانی است و امروزه نیز این نقش را به خوبی ایفا می‌کند (صالحی امیری، ۱۳۸۶: ۴).

قوم ترکمن از روزگار قدیم هم به عید باستانی نوروز علاقه خاصی داشتند. به‌طوری که در اشعار شاعران کلاسیک، فرارسیدن نوروز و جان‌گرفتن دوباره طبیعت، منعکس شده است و نخستین روز بهار به‌عنوان (تازه‌بیل) عید شیدایی ترکمن‌ها معرفی شده است. شاعران نامدار و پرآوازه‌ای همچون مختوم‌قلی و شیدایی درباره نوروز و طبیعت به‌عنوان همدم انسان اشعاری سروده‌اند و این اشعار بینش عمیق عرفانی و فلسفی آنان را نسبت به بهار و طبیعت آشکار می‌سازد. ترکمن‌ها قبل از فرا رسیدن سال نو، در روز پنج‌شنبه و جمعه برای شادی روح اموات، خیرات و صدقات برای همسایه‌ها می‌فرستند. برگزاری عید نوروز و به استقبال سال نو رفتن بین ترکمن‌ها، بیانگر توجه خاص آنها به این جشن است. قبل از تحویل سال، زمانی به پختن نان و شیرینی‌های محلی مانند بیشمه، بورک، قاتلاما مشغول می‌شوند. در آغاز تحویل سال چراغ‌ها را روشن کرده و پنجره‌ها را باز می‌کنند، تا هوای تازه بهاری داخل شود و برکت افزون‌تر شود. در این روز تمام اعضای خانواده غسل می‌کنند و لباس نو می‌پوشند و دو رکعت نماز شکر به‌جای می‌آورند. ترکمن‌ها مانند دیگر مردم ایران به دید و بازدید خویشاوندان خود می‌روند (جرجانی، ۱۳۹۴: ۴۰).

ب. مفاخر ملی و قومی ترکمن‌ها

یکی از عواملی که می‌تواند نقش مهمی در همگرایی و وحدت اقوام گوناگون با دیگر مردم ساکن در یک سرزمین داشته باشد، مفاخر ملی و قومی است. هرچه این اشتراکات بیشتر باشد وحدت و همدلی بیشتر است و پس از آن افزایش امنیت ملی را در پی خواهد داشت. قوم ترکمن از این لحاظ مستثنی نیست. این قوم مفاخر ملی و قومی بسیاری دارد که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود

مختوم قلی فراغی

مختوم قلی فراغی که پدر ادبیات نوین ترکمن لقب دارد و دیوان اشعار او یکی از مهم‌ترین و ماندگارترین آثار قوم ترکمن است (جرجانی، ۱۳۹۴: ۷۲). این اثر در واقع ترجمه آیات قرآن کریم و احادیث رسول‌الله و دستورات اسلامی و احکام دین است که در قالب اشعار ساده و پرمحتوا و گویا به ترکمن‌های آن دوران عرضه شده است. مختوم قلی سرانجام در شاعری به مرتبه‌ای رسید که برتلس، خاورشناس بزرگ روسی، او را «جام جم» ترکمن‌ها نامید. برخی نیز جایگاه او را در شعر ترکمن هم‌تراز جایگاه منزلت فردوسی در شعر فارسی دانسته‌اند (مرادی، ۱۳۸۲: ۳۷). در هفته آخر اردیبهشت هر سال مراسم یادبود مختوم قلی فراغی برگزار می‌شود. این مراسم در تمام شهرهای ترکمن‌نشین با حضور مردم ترکمن و غیر ترکمن و هم‌چنین با حضور مسئولان استانی و کشوری برگزار می‌شود، که گاهی در جهت وحدت ملی و انسجام اسلامی است؛ هم‌چنین تقدیر و بزرگداشت این شاعر ترکمن در تقویت و پیوند فرهنگی و تاریخی این قوم با مردم ایران نقش تعیین‌کننده‌ای دارد (جرجانی، ۱۳۹۴: ۷۲).

نتیجه‌گیری

می‌توان گفت در تمام دوران و در طول تاریخ، هر زمان شاخص‌های مربوط به وضعیت اجتماعی و فرهنگی اقوام بهبود یافت و فعالیت فرهنگی آنها وسیع‌تر شد، گرایش به واگرایی در آنها کمتر شد. به هر میزان که بتوان فرهنگ را تقویت کرد، به همان مقدار هم می‌توان وحدت و همدلی را بیشتر و میزان واگرایی در میان اقوام را کاهش داد. فرهنگ ضعیف زمینه را برای نفوذ دشمن و ترغیب اقوام به منظور ایجاد ناآرامی‌ها و افزایش تنش و هم‌چنین تحریکات اقوام بر علیه حکومت مرکزی افزایش می‌دهد. در میان قوم ترکمن هم همین‌گونه است. اقوام ترکمن بعد از انقلاب پیشرفت‌های زیادی در زمینه فرهنگی و اجتماعی داشته‌اند؛ به همین دلیل ما میزان همگرایی گسترده‌ای میان این قوم با اقوام دیگر و همراهی بیشتر آنها با حکومت را شاهدیم. بر اساس مطالب بیان‌شده، فرضیه این پژوهش مبنی بر تأثیرگذاری فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی قوم مرزی ترکمن در بعد از انقلاب جمهوری اسلامی ایران بر امنیت ملی کشور تأیید می‌شود. بررسی عوامل و فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی قوم ترکمن به‌عنوان یکی از اقوام مرزی کشور نشان می‌دهد که این قوم برای حفظ و ارتقای جایگاه فرهنگی خود در فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی

و نقش‌آفرینی در این زمینه در منطقه و کشور باید به متغیرهای فرهنگی و بومی خود توجه بیشتری نشان دهد. در نهایت بر اساس مطالعات انجام‌شده می‌توان گفت ویژگی‌های حکمرانی خوب که قوم ترکمن می‌تواند به واسطه برخورداری از آنها به عملکردهای فرهنگی و اجتماعی مطلوبی دست پیدا کند، برحسب مطالعات در بین این قوم عبارت است از: مشارکت در امور فرهنگی، حاکمیت قانون، مسئولیت‌پذیری دولت، اجماع‌سازی، عدالت فرهنگی و اجتماعی و پاسخگویی دولت.

- مشارکت: مشارکت به معنی حضور همه مردم در تصمیم‌گیری‌های گوناگون است که هم به صورت مستقیم و هم از طریق نمایندگان و نهادهای واسطه‌ای قانونی و مشروع تحقق می‌یابد. مباحث مشارکت اغلب مبتنی بر وجود آزادی بیان و حق اظهارنظر همه افراد جامعه در حوزه‌های گوناگون سیاسی و امنیتی خواهد بود؛ البته این امر لزوماً به معنی آن نیست که تمایلات، خواسته‌ها و نگرانی‌های تک تک افراد جامعه مورد توجه قرار می‌گیرد؛ بلکه منظور مشارکت حداکثری است که از طریق مکانیسم‌های خاص خود تحقق پیدا می‌کند؛ بنابراین ویژگی اصلی مشارکت همانا آزادی همه مردم در ابراز نظر و دیدگاه‌های خود است که این امر در مرحله اجرا نیازمند ابزارهای خاصی از جمله رسانه‌های آزاد و نهادهای مدنی مستقل است.

- حاکمیت قانون: برقراری سامانه حکمرانی خوب نیازمند چارچوب‌های قانونی عادلانه و بانصاف است که از ویژگی بی‌طرفانه بودن برخوردار است. در این چارچوب باید از حقوق تمام افراد به ویژه حقوق محرومان محافظت به عمل آید. اجرای این‌گونه قوانین در فضای بی‌طرفانه و مبتنی بر انعطاف، نیازمند دستگاه قضایی مستقل و نیروی پلیس بی‌طرف و عاری از فساد است.

- شفافیت: شفافیت به ویژه شفافیت اقتصادی به معنی جریان آزاد اطلاعات و امکان دسترسی آسان به آن برای تمام ذی‌نفعان مربوط است. اطلاعات باید به اندازه کافی و به صورت قابل فهم در دسترس باشد و از سوی دیگر اتخاذ تصمیمات و اجرای آنها از قوانین و مقررات مشخصی پیروی کند.

- مسئولیت‌پذیری دولت: حکمرانی خوب نیازمند این است که نهادهای دولتی و فرایندهای تصمیم‌گیری در چارچوب زمانی منطقی به همه ذی‌نفعان خدمات لازم را ارائه دهد. رسیدن به این هدف تنها زمانی امکان‌پذیر است که نهادهای تصمیم‌گیر نسبت به تأمین خواسته‌ها و تمایلات افراد احساس مسئولیت داشته باشند.

- اجماع‌سازی: در واقع هر اندازه که نقطه نظرات موجود در جامعه از تفاوت‌های زیادی برخوردار باشد، در نتیجه بازیگران گوناگونی نیز وجود خواهد داشت؛ لذا حکمرانی خوب نیازمند این است که منافع و سلیقه‌های گوناگون جامعه را به سمت اجماعی گسترده هدایت کند که بهترین و بیشترین سود را برای تمام جامعه در پی دارد. این امر مستلزم این است که چشم‌انداز بلندمدت و گسترده‌ای نسبت به آنچه برای توسعه انسانی پایدار ضروری است و چگونگی دستیابی به اهداف چنین توسعه‌ای وجود داشته باشد. این مهم نیز تنها از طریق فهم و درک مفاهیم تاریخی، فرهنگی و اجتماعی جامعه قابل دستیابی است.

فهرست منابع

- بیانات رهبر معظم انقلاب در جلسه درس خارج فقه درباره تقلید لهجه قومیت‌ها، ۱۳۸۹/۰۱/۳۱.
- بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج، ۱۳۸۸/۰۲/۲۲.
- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار استادان و دانشجویان کردستان، ۱۳۸۸/۰۲/۲۷.
- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای شورای تأمین استان‌ها، ۱۳۷۹/۱۱/۲۵.
- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با روحانیون دفتر نمایندگی ولی فقیه در امور اهل سنت سیستان و بلوچستان، ۱۳۷۰/۰۸/۲۷.
- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار برگزیدگان استان کردستان، ۱۳۸۸/۰۲/۲۴.
- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار بسیجیان استان فارس، ۱۳۸۷/۰۲/۱۴.
- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جوانان استان اصفهان، ۱۳۸۰/۰۸/۱۲.
- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار رؤسای سه قوه، کارگزاران نظام و شخصیت‌های خارجی شرکت‌کننده در کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی، ۱۳۷۵/۰۵/۱۳.
- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار کارگزاران نظام به مناسبت عید سعید فطر، ۱۳۷۵/۱۱/۲۱.
- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۰/۰۹/۲۱.
- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج، ۱۳۸۸/۰۲/۲۲.
- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مردم سقز، ۱۳۸۸/۰۲/۲۹.
- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۰۴/۱۹.
- بیانات رهبر معظم انقلاب در میدان صبحگاه ستاد نیروی مقاومت بسیج، ۱۳۸۴/۰۶/۰۲.
- پیام رهبر معظم انقلاب به مناسبت آغاز به کار هفتمین دوره ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳/۰۳/۰۷.
- پیام رهبر معظم انقلاب به مناسبت برگزاری کنگره ی عظیم عبادی سیاسی حج، ۱۳۷۵/۰۲/۰۴.
- پیام نوروزی رهبر معظم انقلاب به مناسبت حلول سال، ۱۳۸۶.
- اداره کل مطالعات کشاورزی (۱۳۹۲).
- اسکندری، محمدرضا (۱۳۹۴). شبکه‌های اجتماعی؛ ترفندی برای تهدید امنیت ملی، برگرفته از: <http://www.farsnews.com>
- برادران شرکا، حمیدرضا و سعید ملک‌الساداتی (۱۳۸۷). حکمرانی خوب کلید توسعه آسیای جنوب غربی، فصلنامه راهبرد، شماره ۴۸.
- بهرامی، زهرا و عباس عراقچی (۱۳۹۶). تهدیدات جدید امنیتی رژیم صهیونیستی، مجله سیاست دفاعی. شماره ۹۸ (زمستان): ۱۶۲ - ۱۲۷.
- بوزان، باری (۱۳۷۸). مردم، دوان و هراس، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری (۱۳۹۰). مردم، دولتها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوگولیویف (۱۳۵۸). فرش‌های ترکمن، ترجمه ناز طباطبایی، تهران: موزه فرش ایران.

- بیگدلی، محمدرضا (۱۳۶۹). **ترکمن‌های ایران**، تهران: انتشارات پاسارگاد.
- پورعزت، علی‌اصغر (۱۳۸۷). **مبانی دانش اداره دولت و حکومت**، تهران: انتشارات سمت.
- جرجانی، موسی (۱۳۹۴). **ایرانیان ترکمن**، تهران: انتشارات پژوهش‌های فرهنگی.
- جهاد کشاورزی استان گلستان** (۱۳۹۴).
- حمیدی، یونس (۱۳۹۵). **جایگاه امنیت غذایی در تأمین امنیت ملی کجاست؟**، اندیشکده تبیین.
- خالقی، امیرحسین (۱۳۹۵). **تعامل دولت و ذی‌نفعان توسعه**، روزنامه **دنیای اقتصاد**، ۲۲ بهمن.
- خانی، علی (۱۳۸۳). **نظریه‌های امنیت**، مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- روحانی، حسن (۱۳۹۱). **امنیت ملی و نظام اقتصادی ایران**، تهران: نشر مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- سازمان گردشگری و میراث فرهنگی استان گلستان** (۱۳۹۵).
- سازمان میراث فرهنگی و گردشگری** (۱۳۹۵).
- شاه‌آبادی، ابوالفضل و نیلفروشان، نیما (۱۳۹۲). **تأثیر حکمرانی بر رشد بیکاری کشورهای منتخب توسعه‌یافته و در حال توسعه**، فصلنامه **پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی**، سال ۲۱، بهار: ۱۶۴ - ۱۴۷.
- شریفیان‌ثانی، مریم (۱۳۸۰). **مشارکت شهروندی**، حکمرانی شهری و مدیریت شهری، **فصلنامه مدیریت شهری**، شماره ۸: ۱۶۲ - ۱۴۱.
- عبداله‌خانی، علی (۱۳۹۲). **نظریه‌های امنیت مقدمه‌ای بر دکترین امنیت ملی**، تهران: مؤسسه فرهنگی ابرار معاصر ایران.
- عسگری، محمود (۱۳۸۳). **درآمدی بر اقتصاد سیاسی امنیت ملی**، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، شماره ۱: ۴۹ - ۳۱.
- عموزاد خلیلی، سجاد (۱۳۹۵). **قوم ترکمن و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. بابلسر، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران.
- کنعانی، محمد امین (۱۳۷۹). **ایرانیان ترکمن نگاهی به گذشته و حال**، **فصلنامه مطالعات ملی**، شماره ۴ (زمستان): ۱۰۲ - ۸۱.
- گلی، امین اله (۱۳۶۶). **تاریخ سیاسی و اجتماعی ترکمن‌ها**، تهران: نشر علم.
- نامعلوم (نویسنده) (۱۳۸۳). **دستاوردهای انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره)**، **مجله حصون**، شماره ۲.
- نگین‌تاجی، زریه؛ حسینی، هومان و کیانی، آذین (۱۳۹۰). **شاخص‌های اقتصادی و امنیت ملی ایران**، **فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی**، شماره ۹: ۲۰۹ - ۱۹۳.
- هفته‌نامه اقتصاد گلستان** (۱۳۹۲). **چهارشنبه هشتم آبان**، شماره ۴۳۲.
- وثوق زمانی، ابولفتح (۱۳۶۲). **آشوراده و هرات دو کمینگاه استعمار**، تهران: نشر گویا.
- ونکی، سعید (۱۳۸۸). **نقش اقتصاد در تأمین امنیت ملی**، **مجله تازه‌های اقتصاد**، شماره ۷۴: ۶۳ - ۴۵.

Abdellatif, Mohamad (2003), *Good Governance and its Relationship to Democracy and Economic Development*, Ministry of Justice Republic of Korea, pp. 1-27.

Barro, Robert (1991), "Economic Growth in a Cross Section of Countries", *Quarterly Journal of Economics*, pp. 407-433.-

Buzan, B. and Waever, O. (1998) *Liberalism and Security: The Contradictions of the liberal leviathan*, Copenhagen Peace Research Institute, April 1998, available in: <http://www.ciaonet.org/wps/bub02/bub02.html>.

Irons, W.G. (1969) *The Yomut Turkmen: A Study of Kinship in a Pastoral Society*. Ph. D. Dissertation, University of Michigan.

Kaufmann, Danial (2010), "The World Wide Governance Indicators: Methodology and Analytical Issues", The World Bank Development Research Group Macro economics and Growth Team September.

Kymlica, C. (2002) *Multicultural citizenship: An Interdiction*, Oxford University Press.

Moller, B. (2000) *The concept of security: the pro and cons of Expansion and Contraction*, Available at: www.Ciaonet.org/article/security.

Plumptre, Tim and Jhon Graham (1999), "Governance and Good Governance: International and Aboriginal Perspectives", Institute on Governance, December 3.

Sapru, R.K. (2006), *Administration Theories and Management Thought*, Delhi, Published by Prentice Hall of India.

Stiglitz, J. (1986), *Economics of the Public Sector*, Edition 2, at: <http://www.norton&co.inc>.